

نظام انتخاباتی در نظام مردم سالار دینی و لیبرال دموکراسی

تاریخ دریافت: 85/9/26 تاریخ تأیید: محمد جواد یاری*

شیوه انتخاب زمامداران و نهادهای سیاسی در جمهوری اسلامی ایران از موضوعاتی است که مورد ارزیابی‌های گوناگون قرار گرفته است. برخی در مقایسه با نظام‌های لیبرالی، آن را دارای کاستی‌هایی دانسته‌اند. نگارنده در مقاله حاضر به بررسی نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران و نحوه انتخاب زمامداران و همچنین مقایسه آن با نظام‌های عمده لیبرال دموکراسی (ایالات متحده آمریکا، انگلیس و فرانسه) پرداخته است. به نظر می‌رسد هر دو نظام انتخاباتی بر اساس مبانی خود شرایطی را برای منتخبین و انتخاب‌کنندگان پذیرفته‌اند و از سویی محدودیت‌هایی را نیز اعمال نموده‌اند.

واژه‌های کلیدی: نظام انتخاباتی، ایران، آمریکا، فرانسه، انگلستان، مردم سالاری، لیبرال دموکراسی، انتخابات.

در اندیشه سیاسی اسلام، مسئله امامت و ولایت فقیه بر این پیش فرض استوار است که حاکمیت، تبلور آرمان سیاسی مدّتی هم عقیده و هم فکر است که راه خود را به سوی تکامل می‌گشاید و در این روند از امامت و ولایت فقیه به منزله عنصر الهی در نظام سیاسی حمایت می‌کند؛ بدین ترتیب، حاکمیت در دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و استبداد فردی یا گروهی نیست. بر این اساس، ولایت امر، امامت و رهبری از جانب مردم با انتخاب غیر مستقیم، عهده دار مسئولیت‌های رهبری می‌شود. در نظام اسلامی، جنبه الهی حکومت از جنبه مردمی آن تفکیک-پذیر نیست، زیرا مردم با اراده جنبی، حاکمیت قانون خدا را پذیرا می‌شوند، لذا در اندیشه سیاسی اسلام چنین حکومتی هم مظهر اراده الهی، و هم تبلور اراده جنبی مردم می‌باشد.

در اندیشه سیاسی اسلام با وجود این که حاکمیت مطلق از آن خداست، لکن انسان بر سرنوشت خویش حاکم است و کسی نمی‌تواند این حق را از وی سلب کند یا در خدمت فرد یا گروه خاصی قرار دهد. دو بعدی بودن حاکمیت و تفکیک ناپذیری بعد الهی آن (امامت و ولایت فقیه) از بعد مردمی آن (آرای عمومی) در عمل می‌تواند الگوی کاملی از پیوند انسان و جامعه با خدا باشد؛ جامعه سیاسی که هم خدا در آن حضور دارد و هم اراده مردم.¹

نحوه انتخاب رهبر

در ارتباط با نحوه انتخاب رهبر در جمهوری اسلامی، شبهاتی مطرح است که پشتوانه علمی چندانی ندارند. به ویژه آن که ولایت فقیه در این جا دال مرکزی گفتمان اسلام‌گرایی در نظر گرفته شده که سایر نشانه‌های توسعه سیاسی،



حول این مفهوم معنا می‌یابند. لذا بایستی دال مرکزی، امری قابل دفاع، منطقی و توجیه‌پذیر باشد تا بتوان از مدلول‌های دیگر سخن به میان آورد، چرا که در تحلیل گفتمان، هر گفتمانی برای هژمونیک شدن باید بتواند ساختار بندی گفتمان رقیب را درهم بریزد، پس باید به تقویت دال مرکزی اسلام گرایي همّت گذاشت تا آنگاه بتوان در برابر گفتمان لیبرال دموکراسی که دال مرکزی آن می‌تواند آزادی در نظر گرفته شود، حرفی برای گفتن داشت.

در نظام جمهوری اسلامی که مبتنی بر اندیشه سیاسی اسلام و مردم سالاری است، کسی حق ندارد خود را رهبر و حاکم مردم بخواند مگر آن که به طور مستقیم یا غیر مستقیم برای این مسئولیت مهم انتخاب گردد، از این روست که مردم مجازند در صورتی که رهبر را فاقد شرایط لازم ببینند، فرد شایسته دیگری را برگزینند. انتخاب رهبر از مهم ترین جلوه‌های بارز نقش مردم به شمار می‌رود که در اصل 107 به دو صورت پیش‌بینی شده است: انتخاب مستقیم رهبری توسط مردم و دیگری انتخاب غیر مستقیم و از طریق مجلس خبرگان رهبری. صورت اول، زمانی است که به صورت کاملاً آشکار، رهبر، مورد پذیرش اکثریت قاطع مردم قرار گرفته که مصداق آن حضرت امام خمینی(ره) است. اما است روش دوم که گزینش غیر مستقیم است و در آن ابتدا مردم، خبرگان رهبری را انتخاب می‌کنند و آنها نیز از میان فقهای واجد شرایط فردی را که اعلم بوده و مقبولیت عامه دارد به رهبری انتخاب می‌کنند. در این رابطه نیز ابتدا خبرگان در باره فقهای واجد شرایط بررسی و مشورت می‌کنند مشروح این شرایط در قانون اساسی² آمده است.

انتخاب رهبری نظام جمهوری اسلامی، توسط



خبرگان صورت می‌گیرد، البته انتخاب ولی فقیه به طور غیر مستقیم توسط مردم، شرط وجود است نه شرط وجوب، یعنی هر چند مشروعیت حکومت فقیه از سوی شرع است، ولی تحقق خارجی آن به انتخاب و حمایت مردم است. به بیان روشن‌تر استقرار حکومت و ولایت فقیه به دو امر ثبوتاً به نصب و نص و اثباتاً به پذیرش جمهور بستگی دارد، یعنی نصب از سوی خداوند است، ولی در مرحله تحقق خارجی منوط به پذیرش مردم است. حاکم اسلامی باید دارای دو ویژگی مشروعیت و مقبولیت باشد تا بتواند بر مردم مسلمان حکومت کند. مشروعیت ولایت و حکومت فقیه از ولایت تشریحی الهی سرچشمه می‌گیرد و اساساً هیچ گونه ولایتی جز با انتساب به نصب و اذن الهی مشروعیت نمی‌یابد.³

مجلس خبرگان که وظیفه انتخاب رهبری، نظارت بر عملکرد و دارا بودن شرایط به طور مستمر از سوی رهبر را برعهده دارند، خود توسط مردم انتخاب می‌شوند، بدین ترتیب انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان به طور طبیعی بایستی از شرایط مصرح در قانون برخوردار باشند.

نمایندگان مجلس خبرگان برای مدت هشت سال انتخاب می‌شوند و نحوه رأی‌گیری نیز به صورت مخفی و به طور مستقیم است.⁴ بدین ترتیب انتخاب رهبر در جمهوری اسلامی ایران به صورت غیر مستقیم می‌باشد. کسی دوتکویل⁵ یک امتیاز و برابری برای رأی غیر مستقیم نسبت به رأی مستقیم قائل می‌شود و معتقد است مشاوره‌های متوالی، امکان اخراج اشخاص ناصالح را افزایش می‌دهد، انتخابات دو درجه‌ای موجب یک قسم تصفیه قبلی گردیده و انتخاب کنندگان درجه دوم از یک عده افراد برگزیده تشکیل خواهند شد. در وهله دوم طرف-داران طریقه مزبور آن را خیلی مدبرانه،

معتدل و بسیار محافظه کارانه تصور می‌کنند.⁶ گفتیم که ولایت فقیه به منزله دال مرکزی گفتمان اسلام‌گرایی نیاز به پردازش و توضیح بیشتری دارد که در این جا به آن می‌پردازیم.

ویژگی‌های نظام سیاسی مردم سالار دینی

ایجاد انسجام و توازن بخشی: در نظام‌های دموکراتیک، یکی از شاخص‌های اصلی دموکراتیک بودن تفکیک قواست. ولی عملاً نظامی را سراغ نداریم که در آن، قوا کاملاً از یکدیگر استقلال داشته باشند، اما در نظام جمهوری اسلامی در عین وجود اصل تفکیک قوا، ناهم‌آهنگی وجود ندارد و ولایت فقیه به منزله عاملی هم‌آهنگ‌کننده با اشرافی که بر قوای حکومتی دارد بین آنها انسجام ایجاد می‌کند و به مثابه محور نظام از ایجاد بحران جلوگیری می‌کند.⁷ از سویی وجود رقابت بین احزاب و گروه‌ها در جامعه، تعارض‌ها و اختلافات احتمالی را در پی دارد که در این صورت ولی فقیه می‌تواند عامل وحدت بخش و فصل مشترک همه گروه‌ها و نهادهای سیاسی باشد و کارکرد نظام سیاسی را تسهیل نماید و مانع از ظلم اکثریت بر اقلیت و استبداد آنها می‌شود؛ بدین ترتیب به لحاظ نظری و عملی، ولایت فقیه در تعارض با جامعه مدنی و دیگر نهادهای سیاسی نمی‌باشد.

ضمانت اجرایی درونی: این ضمانت اجرایی درونی در پرتو احساس وظیفه شرعی در اطاعت از مقررات دولت و نظام سیاسی به وجود می‌آید. در حالی که در اکثر نظام‌ها قوانین با قدرت و زور بر مردم تحمیل می‌گردد، رهبر به عنوان جانشین امام معصوم از عالی‌ترین مراتب تقوا و شایستگی برخوردار می‌باشد که با ارتکاب کوچک‌ترین گناهی خود به خود از مقام ولایت منعزل



می‌گردد و خبرگان، تنها نقش اعلام عدم صلاحیت او برای رهبری را دارد، نه این که او را عزل کند. برخورداری از چنین شایستگی‌های اخلاقی در هیچ یک از نظام‌های سیاسی دنیا برای مسئولین وجود ندارد.⁸ تجربه جمهوری اسلامی ایران حاکی از این واقعیت است که جامعه مدنی در این سیستم سیاسی تهدید نشده، بلکه تقویت شده است. تأکید رهبران جمهوری اسلامی بر شاخصه‌های توسعه سیاسی نشانه بارز دیگری در این زمینه است.

تحقق دموکراسی: نظام ولایی، نوعی دموکراسی ویژه و حکومت مردمی خاص است که مزایای دموکراسی را در خود دارد و از معایب آن محفوظ است. در نظام‌های دموکراتیک، مردم، حق رأی داشته و پس از تأملات گسترده، قانون و شخص مجری آن را نیز انتخاب می‌کنند، همه این موارد نیز در نظام ولایت فقیه وجود دارد. مهم‌ترین نقص نظام‌های دموکراتیک در این است که قوانین آنها، ناشی از اندیشه‌های بشری است که گاهی نیز چیزهایی را تجویز می‌کنند که با عقل سلیم مغایرت جدی دارد، اما در نظام اسلامی منشأ قوانین، وحی الهی است. در نظام‌های دموکراتیک، انسان‌ها آزادی کاذب دارند؛ چون خود را از حکم و قید خداوندان می‌دانند، لکن در نظام اسلامی، آزادی انسانی، توأم با مسئولیت در برابر خدا مطرح است، فرد مسلمان نسبت به غیر خداوند آزاد است که خود ناشی از بندگی خداوند است. در این نظام سیاسی، آزادی انسانی و حقوق بشروحق رأی و انتخاب مسئولین و... وجود دارد و در عین حال، تعالی معنوی انسان نیز محفوظ است.⁹

اختیارات و شرایط دقیق: شرایط ملحوظ در قانون اساسی برای مقام رهبری به مراتب دقیق‌تر و مناسب‌تر با مأموریت خطیر وی است، در حالی که در اکثر کشورها هر فردی، صرف نظر از

صلاحیت علمی و عملی لازم، صرفاً با کسب اکثریت آراء قدرت را در دست می‌گیرد.

انتخاب رئیس جمهور

فصل نهم از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اختصاص به قوه مجریه و مسائل مربوط به آن دارد. اصل 114 می‌گوید رئیس جمهور برای مدت چهار سال با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلا مانع است.

داوطلب ریاست جمهوری بایستی از ویژگی‌هایی چون حسن سابقه، امانت، تقوا و کارایی برخوردار باشد؛ ویژگی‌هایی که در قوانین سایر کشورها کمتر به آن پرداخته می‌شود. اصل 115 در این رابطه می‌گوید: رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد:

ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور. بر اساس اصل 107 رئیس جمهور با اکثریت مطلق آرای شرکت‌کنندگان انتخاب می‌شود. ویژگی مهم دیگر انتخابات ریاست جمهوری همان طور که در اصل 114 گذشت، اصل مستقیم بودن انتخابات است که منظور یک درجه‌ای بودن آن است که مردم بدون واسطه، رئیس جمهور خود را از میان کاندیداها انتخاب می‌کنند. حکم ریاست جمهوری پس از تأیید انتخابات و اعتبار نامه رئیس جمهور توسط شورای نگهبان طی مراسمی با امضای مقام رهبری تنفیذ می‌گردد و بدین وسیله، حاکمیت تشریحی از جانب مقام ولایت بر مظهر حاکمیت مردمی سریان می‌آید تا در کنار هم نظام مردم سالار دینی را به سامان برند.

بر اساس قانون، انتخاب‌کنندگان نیز باید



دارای این شرایط باشند: 1. تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران؛ 2. داشتن 15 سال تمام؛ 3. عدم جنون؛¹⁰ نظارت بر روند انتخابات نیز برعهده شورای نگهبان است. قانون اساسی در اصل 99 عنوان «شورای نگهبان» را برای نظارت بر کلیه انتخابات، اعم از مجلس خبرگان، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و همه پرسر برگزیده است. نظارت شورای نگهبان، نوعی تأکید بر رأی مردم است، در حقیقت مردم با رأی مستقیم به قانون اساسی و رأی غیرمستقیم به قانون انتخابات بر این روند صحنه گذاشته اند و شورای نگهبان از طرف مردم وکالت دارد تا شرایط و صلاحیتها را تشخیص دهد نه این که قیم مردم باشد. این هم در همان قانون اساسی-ای آمده است که مردم با رأی مستقیم خود آن را تأیید کرده اند.

انتخابات مجلس شورای اسلامی

در جمهوری اسلامی ایران، محور اساسی حاکمیت ملت از طریق نمایندگان اعمال می‌گردد. مجلس شورای اسلامی، نقش بسیار مهمی در اداره کشور دارد که علاوه بر قانون گذاری، وظایفی چون رأی اعتماد به وزراء، سوال، تذکر و استیضاح رئیس جمهور و وزراء، تصویب بودجه کل، تحقیق و تفحص در تمام امور کشور و دهها وظیفه مهم دیگر که در اصل 171 به بعد به آن اشاره شده است، نظام جمهوری اسلامی ایران را می‌توان نظام نیمه پارلمانی و نیمه ریاستی دانست. عزل رئیس جمهور را ساً در حوزه اختیارات مجلس نمی‌باشد و این امر نیازمند به رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی و سپس عزل رئیس جمهور توسط رهبر می‌باشد. از سویی انحلال مجلس در جمهوری اسلامی نیز پیش‌بینی نشده است،¹¹ و این از

امتيازات نظام سياسي جمهوري اسلامي ايران محسوب مي شود، چرا که در بسياري از کشورها اين حق به رئيس حکومت داده شده است.

قوه مقننه جمهوري اسلامي ايران در يك تعبير كلي، داراي دو رکن است:

1. مجلس شوراي اسلامي که به طور مستقيم براي چهار سال با رأي مخفي انتخاب مي شوند؛ 2.
- شوراي نگهبان که براي شش سال انتخاب مي شوند.¹²

در قوانين تمامي کشورها شرايط و محدوديت هايي را براي انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان قائل شده اند. نظام انتخاباتي کشورمانيز از اين امر مستثنا نيست و شرايط و محدوديت هايي را در نظر گرفته است. بر اساس ماده 27 قانون انتخابات ايران مصوب 79/8/25 شرايط ذيل براي انتخاب کنندگان در نظر گرفته شده است:

1. تابعيت کشور جمهوري اسلامي ايران؛ 2.
- 15 سال تمام، 3. محجور نبودن (عاقل بودن)

قوانين انتخاباتي اکثر کشورها شرايط دشواري را براي انتخاب شوندگان مشخص کرده اند، زيرا نمايندگان پارلمان شخصاً در اداره کشور و اجراي حق حاکميت ملي شرکت مي کنند، لذا بايد داراي صلاحيت بيشترو تضمينات کافي در قبال مسئوليت سنگيني که بر عهده مي گيرد، باشد. اين محدوديتها معمولاً ناشي از ملاحظات فني واجتماعي مي باشد. انتخاب شوندگان هنگام ثبت نام بر اساس ماده

28 قانون بايد از شرايط زير برخوردار باشند:

1. مسلمان بودن (اعتقاد و التزام عملي به اسلام)؛ 2. ابزار وفاداري به قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران در فرم ثبت نام؛ 3.

تابعيت کشور جمهوري اسلامي ايران؛ 4. داشتن حداقل 30 سال و حداکثر 75 سال سن؛ 5. حداقل



مدرك فوق ديپلم يا معادل آن؛ 6. سلامت جسمي در حد برخورداري از نعمت بينايي، شنوايي و گويايي. در ضمن اقليت‌هاي ديني مصرح در قانون اساسي از بند مسلمان بودن مستثنا هستند و بايد به دين خود اعتقاد داشته باشند.

بر اساس اصل 99، نظارت بر انتخابات مجلس شوراي اسلامي ونيز تعيين صلاحيت داوطلبين بر اساس قانون برعهده شوراي نگهبان مي‌باشد و پس از راه‌يابي نمايندگان به مجلس، بايستي اعتبار نامه آنها به وسيله اعضاي مجلس به تصويب برسد، اين فرايند سازوكاري براي جلوگیری از ورود افراد فاقد صلاحيت به مجلس مي‌شود، به عبارتي هرگاه اراده جمعي نمايندگان پس از تحقيق و بررسي در سوابق منتخبان مردم به عدم صلاحيت فردي منجر شد، نمايندگان با عدم تصويب اعتبار نامه وي، از ورود او به مجلس ممانعت به عمل مي‌آورند.

سیری در نظام انتخاباتی ایالات متحده آمریکا، انگلستان و فرانسه

همان طور که گذشت نظام جمهوري اسلامي حول دال مركزي ولايت فقيه شكل گرفته و شكل ويژه و منحصر به فردي را ارائه نموده است. آثار گفتمان اسلام گرايي بر سراسر نظام انتخاباتي ايران از جمله شرايط منتخابين و منتخابين مشاهده مي‌شود، گفتمان ليبرال دموكراسي آثار متفاوتي بر نظام انتخاباتي خود مي‌گذارد كه تفاوت هاي جدي با گفتمان اسلام گرايي دارد، در عين حال در هر دوگفتمان شباهت هايي به چشم مي‌خورد بدین صورت كه در هر دو نظام انتخاباتي شرايط ومحدوديت هايي براي انتخاب كنندگان وانتخاب شونندگان قائل شده‌اند، در هر دو نظام انتخاباتي، مراجعي براي نظارت بر انتخابات وتعيين صلاحيت داوطلبين و نيز

مطابقت تمامی قوانین با قانون اساسی و اصول پذیرفته شده آن وجود دارد؛ به عبارتی به لحاظ شکلی هر دو نظام انتخاباتی شباهتهای زیادی با هم دارند، لکن به لحاظ محتوایی و با توجه به دال مرکزی در هر دو گفتمان که تبعات خود را دارند، تفاوت های عمده ای را شاهد هستیم. بدین ترتیب مناسب دیدیم نظام انتخاباتی سه مدل عمده ای لیبرال دموکراسی (ریاست جمهوری در آمریکا، پارلمانی در انگلستان و نیمه ریاستی نیمه پارلمانی در فرانسه) را مختصراً بررسی نماییم.

نظام انتخاباتی ایالات متحده آمریکا

انتخاب رئیس جمهور در ایالات متحده آمریکا دو درجه ای است؛ بدین معنا که هیئت های به نام هیئت انتخاب کنندگان¹³ توسط مردم در سطح ایالات انتخاب می شوند و سپس این هیئت ها در ایالات جداگانه به انتخاب رئیس جمهور و معاون او می پردازند و تعداد افراد هر یک از هیئت ها برابر با مجموع نمایندگان آن ایالات در مجلس سنا و مجلس نمایندگان خواهد بود که جداگانه به نامزد خود برای مقام ریاست جمهوری و معاونش رأی می دهند، بدین ترتیب در مرحله اول که غیررسمی می باشد اعضای دو حزب جمهوری خواه و دموکرات نامزدهای برای احزاب را برای مقام ریاست جمهوری و معاونت وی از بین شخصیت های مهم حزبی به مردم معرفی می کنند، لذا مبارزات انتخاباتی را که به وسیله نامزدهای رسمی ریاست جمهوری و معاون او رهبری می شود، رسماً آغاز می کنند. اعضای احزاب در هر ایالت باید نمایندگان خود را برای «هیئت انتخاب کنندگان» برگزینند. در مرحله دوم که رسمی و قانونی می باشد هر ایالت به تعداد نمایندگان و سناتورهای خود درکنگره، افرادی را برای عضویت در هیئت



انتخاب کنندگان برمی‌گزینید. از 1868م در تمام ایالات آمریکا هئیت انتخاب کنندگان با رأی مستقیم مردم و با اکثریت نسبی آرا در نخستین روز سه شنبه نوامبر، انتخاب می‌شوند. و چون نمایندگان هر يك از احزاب در این هیئت‌ها متعهد و ملزم هستند که پس از انتخاب شدن به نامزد های رسمی حزب رأی دهند و از سویی حزبی که در انتخاب هیئت انتخاب کنندگان يك ایالت حائز اکثریت باشد کلیه آرای آن ایالات را به خوداختصاص داده، به تعدادکلیه اعضای هئیت در آن ایالت به نفع نامزد حزب خود رأی دارد، بدین ترتیب به محض این که هئیت های انتخاب کنندگان برگزیده شوند از روی تعداد اعضای که هر يك از احزاب در هر يك از ایالات در هیئت‌های انتخاب کنندگان دارند، می‌توان دریافت که کدام يك از نامزدهای رسمی مقام ریاست جمهوری و معاونش در انتخابات همگانی برنده شده است. در مرحله سوم که انتخابات رسمی در دو مین چهارشنبه ماه دسامبر صورت می‌گیرد، چون اعضای «هیئت انتخاب کنندگان» طبق التزام قبلی به نامزد رسمی حزب خود رأی می‌دهند و نتیجه از پیش معلوم است، مردم از این مرحله انتخاب همگانی استقبال چندانی نمی‌کنند، بدین ترتیب در عمل و به لحاظ سیاسی، انتخابات رئیس جمهور صورت يك درجه‌ای پیدا می‌کند.¹⁴ در حقیقت، مردم هر ایالت، نظر خود را برای لیست «انتخاب کنندگان» که برای کاندیدای مورد نظر خود از طرف احزاب اقامه شده، اعلام می‌کنند، در نهایت انتخاب کنندگان به جای مردم به نامزد ریاست جمهوری رأی می‌دهند، از این دو در مجموع 538 انتخاب کننده اعضای کالج های انتخاباتی را که در ایالات های پنجاه گانه تشکیل شده و وظیفه نهایی انتخاب رئیس جمهور را برعهده دارند

تشکیل می‌دهند، لذا اکثریت آرای مستقیم مردم رئیس‌جمهور را به کاخ سفید نمی‌فرستد، بلکه اکثریت آرای ایالات در قالب «کارت‌های الکترال» جدای از ایالات‌های دیگر در این بازی سرنوشت‌ساز نقش آفرین می‌باشد.¹⁵

قصد نویسندگان قانون اساسی آمریکا این بود که انتخاب رئیس‌جمهور از مداخله و نفوذ مستقیم مردم برکنار باشد و انتخاب اودر صلاحیت گروهی محدود از برگزیدگان به نام «هیئت انتخاب قانون اساسی، صورتی از «هیئت انتخاب کنندگان» که در صدر آن، نام نامزد مقام ریاست جمهوری و معاون وی قید گردیده است به وسیله حزب تهیه می‌شود و مفهومی این است که هرگاه این افراد برگزیده شوند، ملزم هستند که به نامزد های حزب رأی بدهند. بدین ترتیب آرای اقلیت ولو با فاصله بسیار کمی از آرای اکثریت قرار گرفته باشد، به حساب نخواهد آمد.¹⁶ در آمریکا سرمایه‌گذاری برای انتخابات نقش اساسی دارد، و همه چیز بر محور دلار می‌چرخد به گونه‌ای که کسی بدون تأمین هزینه‌های سنگین آن به خصوص هزینه‌های تبلیغاتی آن نمی‌تواند حتی قدمی پیش رود، تا زمان مرحله انتخاب نامزد ریاست جمهوری و نامزد معاون ریاست جمهوری در کنوانسیون هر حزب، تمام هزینه‌ها بر عهده شخص نامزد و اطرافیان می‌باشد.¹⁷

رئیس‌جمهور در ایالات متحده آمریکا دارای اختیارات فراوانی است و آخرین مرجع صدور دستورات مهم است، وی هم ریاست دولت و هم ریاست حکومت را برعهده دارد. در سیستم انتخاباتی این کشور، رئیس‌جمهور الزاماً بر مبنای اکثریت آرا یا نصف به علاوه یک آرا به کاخ سفید راه پیدا نمی‌کند. در برخی موارد، نامزد حائز اکثریت آرا در پشت درهای بسته



کاخ ریاست جمهوری باقی می‌ماند.¹⁸ نظام انتخاب رئیس جمهور در آمریکا، همواره مورد انتقاد صاحب نظران بوده است. یکی از این ایرادها روش تعیین نامزد مقام ریاست جمهور توسط مجامع حزبی است که آزادی عمل مردم در انتخاب افراد مورد نظر خود، سلب می‌شود. ایراد دیگر عدم تناسب بین هدایت انتخاب کنندگان ملی (تمام کشور) و هدایت انتخاب کنندگان ایالتی است، به طوری که ممکن است شخصی اکثریت مطلق آرای ملت را به دست آورد و باز هم به ریاست جمهوری انتخاب نشود و یک شخص با کسب آرای هدایت‌های انتخاب کنندگان ایالات کوچک‌تر آمریکا در انتخابات رئیس جمهوری پیروز شود. چنان که در 876 روتزفورد در 1888 بنیامین هارسیون و در سال 2000 جورج بوش رقبای خود را علی‌رغم رأی بیشتر رقبا شکست دادند.¹⁹ از دیگر انتقادات وارده بر این سیستم انتخاباتی، دخالت رئیس جمهوری در امر قانون گذاری است. بخش سوم از اصل دوم قانون اساسی آمریکا می‌گوید:

رئیس جمهوری هر از چندگاه گزارشی در مورد وضعیت ایالات متحده به کنگره ارائه می‌کند و اقدامات و مقرراتی که ضروری و مقتضی تشخیص دهد برای ملاحظه اعضای سنا پیشنهاد می‌نماید. وی می‌تواند در مواقع اضطراری، هر دو مجلس یا یکی از آنها را [برای تشکیل جلسه] فراخواند و در صورت [بروز] اختلاف در مورد دوره فترت، آنها را تا هر زمان دیگری که مناسب بداند تعطیل کند.²⁰

بدین ترتیب با توجه به موقعیت و اختیارات گسترده رئیس جمهوری در این کشور، ادعای حاکمیت اصل تفکیک قوا به شکل مطلق در این کشور قابل قبول نیست. در زمینه قانون-

گذاري، رئيس جمهور داراي قدرت بسياري است. از جمله نظارت تامه وي بر اجراي قوانين كه براي دستيابي به اين هدف «دستورهاي اجرايي» صادر مي‌كند. بر اساس قانون اساسي، قضاات ديوان عالي فدرال، توسط رئيس جمهوري، براي مدت مادام العمر منصوب مي‌شوند تا استقلال آنها تأمين و تضمين گردد.²¹ اهميت اين مسئله در اين است كه نظارت بر قوانين در اين كشور بر عهده دستگاه قضايي است و ديوان عالي فدرال و دادگاه هاي اين كشور نقش اساسي در باب مطابقت يا مغايرت قوانين عادي با قانون اساسي به عهده دارند، لذا منتقدين زيادي دخالت قوه قضاييه را در نفس و ماهيت قانون مصوب قوه مقننه خلاف و از آن رو كه ممكن است اراده عمومي با نظر شخصي يك قاضي دادگستري كه بدون توجه به مقتضيات زمان اعمال سليقه مي‌كند، مخدوش گردد. از اين رو بسياري از صاحب نظران معتقدند نظام قضايي آمريكا كه كنترل قوانين را در اختيار دارد ناقض اصول دموكراسي و حاكميت اراده ملي است.²²

شرايط انتخاب شدن براي پست رياست جمهوري در اين كشور بسيار ساده و فاقد منطقي قوي مي‌باشد. اين شرايط عبارتند از: 1. شخص متولد در خاك آمريكا و از اتباع آن دولت بوده و داراي سابقه 14 سال سکونت در آنجا باشد؛ 2. داشتن 35 سال سن. معاون رئيس جمهور نيز بايد داراي اين شرايط باشد. اما همان گونه كه گذشت حاكميت دو حزب دموكرات و جمهوري خواه، نيل به اين پست را براي افراد عادي دست نيافتني نموده است.

كنگره ايالات متحده آمريكا نيز شامل دو مجلس نمايندگان و سنا است. مجلس نمايندگان نماينده مردم و مجلس سنا نماينده ايالات است. تعداد سناتورهاي ايالات با يكديگر مساوي، و تعداد نمايندگان مجلس نمايندگان



متناسب با جمعیت ایالات است. نقش سناجلوگیری از تجاوز احتمالی به حقوق دولتهای فدراسیون و رفع اختلافات بین آنهاست. مدت نمایندگی در مجلس سنا شش سال است که در هر دو سال نسبت به یک ثلث اعضای آن (32 سناتور) همزمان با انتخابات مجلس نمایندگان تجدید می‌شود. مدت مجلس نمایندگان دو سال است که عمومی، مستقیم و مخفی صورت می‌گیرد. شرایط نامزدی برای مجلس نمایندگان عبارت است از: داشتن 25 سال سن و تابعیت آمریکا از هفت سال قبل و مقیم بودن در ایالتی که هنگام انتخاب شدن شخص در آن جاخود را داوطلب نمایندگی می‌کند. شرایط نیل به نمایندگی سنا عبارت است از: داشتن 30 سال سن و تابعیت آمریکا از مدت نه سال قبل، و سابقه سکونت در محل انتخابیه، هنگام انتخاب شدن به سناتور. رسیدگی به صحت انتخابات و اعتبارنامه‌های اعضای مجالس با خود آن‌هاست.²³ آنچه در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه با عناوین «شورای نگهبان» و «شورای قانون اساسی» نقش صیانت از قانون اساسی و نظارت بر قوانین را برعهده دارد، دو رکن دوم قوه مقننه محسوب می‌گردند. در نظام ایالات متحده به «دیوان عالی کشور» سپرده شده که یک نهاد صد در صد قضایی است. گفتنی است که رئیس جمهور در برابر کنگره دارای حق و تو است و می‌تواند در مواقع از حق مزبور استفاده کرده، قوانین مصوب کنگره را لغو و باطل نماید.²⁴

نظام انتخاباتی انگلیس

قوه مجریه در انگلستان مرکب از رئیس حکومت، رئیس دولت، وزیران و کارکنان دولت است. مقام ریاست حکومت در بریتانیا موروثی و مادام‌العمر و شکل حکومت، پادشاهی مشروطه است. مقام سلطنت، قدرتی بی طرف است که

اجرائی اقتدارات او را وزیران برعهده دارند. ملکه عالی‌ترین مقام قوه مجریه است. رئیس کلیسا، رئیس عالی نیروی زمینی، دریایی، هوایی و سرچشمه عدالت است و به این اعتبار همه محاکم کشور، دادگاه‌های او هستند. به نام وی امور خارجه، معاهدات و قوانین رهبری اجرا می‌شود. عزل و نصب وزیران، انحلال یا دعوت پارلمان با او می‌باشد، انتصاب اعضای مجلس لردها، اعطای القاب و نشان‌ها و توشیح قوانین نیز با او است، اما سنت بر این است که در غیر موارد استثنایی زیر، اختیارات خود را با آگاهی و مشورت وزیران به وسیله وزارتخانه‌ها و ادارات رسمی اجرا نماید و ملکه یا پادشاه در مواردی می‌تواند بدون مشورت با وزیران اقدام نماید از جمله: 1. انتخاب نخست وزیر بدون قید و شرط، زمانی که هیچ یک از احزاب، رهبر شناخته شده‌ای نداشته، یا هیچ یک اکثریت کرسی‌های مجلس عوام را به دست نیاورده باشد؛ 2. وی حق عزل نخست وزیر را دارد. هرگاه اوضاع در کشور به نحوی باشد که استفاده از اختیارات مزبور را ایجاب کند، نمی‌توان این حق را از وی سلب شده دانست؛ 3. پیشنهاد انحلال پارلمان با نخست وزیر است، اما پادشاه می‌تواند آن را رد نماید.²⁵

با آن که استقرار دموکراسی در انگلستان با هدف کاهش قدرت پادشاه بوده، لکن پادشاه هنوز از امتیازات زیادی برخوردار است. وی سمبل وحدت کشور محسوب می‌شود و رسماً در رأس دولت قرار دارد. علاوه بر آن وی از سه امتیاز دانستن، مشاور، و هشدار نیز برخوردار است. در حقیقت اختیارات صوری پادشاه کم نیست. وی همچنین احکام مقام‌های کشوری و لشکری را صادر می‌کند و قوانین پس از توشیح وی، لازم الاجرا می‌گردد، البته در عمل



اختیارات وی محدود، و مجبور است در تمامی زمینه‌ها از سیاست کابینه پیروی کند. نخست وزیر هم در مقابل شاه مسئول است، زیرا رسماً برگزیده او است، گرچه شاه ناچار از صدور حکم نخست وزیری رهبر حزب اکثریت است.²⁶ مقام سلطنت در انگلستان، مظهر وحدت ملی، قدرت و حاکمیت سیاسی تلقی می‌شود، لذا محترم و معتبر می‌باشد. رژیم انگلستان، رژیمی سلطنتی موروثی است که بر اساس قانون وراثت به فرزندان ارشد پادشاه منتقل می‌شود. زنان نیز از حق نیل به سطنت بهره‌مندند، ولی پس از مردان قرار دارند و برحسب قرابت خود با پادشاه متوفی می‌توانند وارث تخت و تاج شوند. وارث قانونی می‌بایست پروتستان بوده و با کسی که دارای این مذهب است ازدواج کند و الا از سلطنت محروم می‌شود. پادشاه رئیس مذهب انگلستان است و باید هنگام جلوس بر تخت، سوگند حمایت از این مذهب را یاد کند. نظام انتخاباتی در این کشور به طور مستقیم و مخفی بر پایه نظام اکثریتی و روش تک‌گزینی در یک مرحله صورت می‌پذیرد، یعنی کشور به تعدادی حوزه‌های انتخاباتی بر حسب ملیت‌ها و جمعیت تقسیم شده و کاندیداهایی که در حوزه انتخاباتی بیشترین تعداد رأی را به دست آورند به نمایندگی مجلس انتخاب می‌شوند. در هر حوزه فقط یک نماینده می‌تواند به نمایندگی انتخاب شود، البته این سیستم انتخابات، منعکس‌کننده واقعی آرای ملت نیست.

شرایط شرکت در انتخابات این کشور از این قرار است: 1. دارا بودن 18 سال تمام سن؛ 2. نداشتن پیشینه کیفری، سابقه سکونت در حوزه انتخابیه الزامی است. نامزد انتخاباتی هم باید دارای حداقل 21 سال سن بوده و فاقد پیشینه کیفری باشد. داوطلب نمایندگی باید

شخصاً نامزدي خود را اعلام کند و براي دريافت مجوز فعاليت انتخاباتي بايد 10 نفر از معتمدین، او را معرفي و تأييد کنند - وي بايستي 150 ميليون لييره به منزله وديعه و اريز کند تا چنان چه حداقل $\frac{1}{8}$ آرای حوزه انتخابيه را به دست نياورد، آن مبلغ به نفع دولت ضبط شود.²⁷

قانون‌گذاري، ويژه دو مجلس اعيان و عوام است. مجلس اعيان يا لردها، هميشگي، و دوره قانون گذاري ندارد و انتخابي نيز وجود ندارد. انتخاب در آن از طريق توارث با پيشهاد نخست وزير يا فرمان پادشاه براي عضويت مادام العمر ممکن مي‌باشد. اشخاصي که در کليساي انگلستان سمتي دارند و يا جزء مقامات قضايي مي‌باشند از اعضاي مجلس لردها هستند. اما اعضاي مجلس عوام براي 5 سال انتخاب مي‌شوند و هر داوطلبي که حداکثر آرا را به دست آورد به نمايندگي آن حوزه انتخاب خواهد شد. مقام سلطنت مي‌تواند اين مجلس را به پيشهاد نخست وزير منحل کند. از جمله اختياراتي که مجلس عوام دارد اين است که لوايح پولي و لوايح عام به تصويب و موافقت مجلس لردها نياز ندارد، ايمن لوايح تنهانيازمند تصويب مجلس عوام هستند. لايحه تمديد دوره قانون گذاري پارلمان به بيش از پنج سال، لوايحي که جنبه موقت دارند، لوايح ماليه، طرح ها و لوايحي که نخست در مجلس اعيان عنوان شده باشند، همگي در مجلس عوام تصويب مي‌شوند. نظارت بر حسن جريان انتخابات در اصل با مجلس عوام است که آن را به دادگاه هاي عمومي تفويض کرده است. دخالت قوه قضاييه در اين امر، ضامن صحت انتخابات و استقلال مجلس عوام در برابر مداخلات احتمالي قوه مجريه مي‌باشد. انتصاب مقامات قضايي نيز



با مقام سلطنت و در عمل به وسیله نخست وزیر یا قاضی القضاة صورت می‌گیرد.²⁸

قدرت واقعی در انگلستان در دست نخست وزیر است که خود ناشی از وجود سیستم دو حزبی و انضباط شدید حزبی می‌باشد؛ بدین ترتیب رهبر حزب اکثریت از بیشترین قدرت سیاسی برخوردار است. پشتیبانی حزب اکثریت از نخست وزیر و کابینه او عملاً مانع از آن است که نمایندگان پارلمان بتوانند نخست وزیر و وزیران را مورد بازخواست و استیضاح قرار دهند و آنها را از مقام خود برکنار سازند، لذا می‌توان گفت در انگلستان، مسئولیت سیاسی وزیران عملاً مانند اختیارات پادشاه درحاشیه قرار دارد. هم‌چنین حق انحلال پارلمان از طرف دولت در این کشور، کمتر به عنوان وسیله اعمال نفوذ و فشار علیه پارلمان به کار می‌رود، زیرا انضباط حزبی، بهترین وسیله برای جلب اطاعت نمایندگان پارلمان است و دیگر نیاز به انحلال مجلس پیدا نمی‌شود؛ از این رو دولت از حق انحلال، بیشتر برای تحکیم موقعیت خود استفاده می‌کند و پارلمان انگلستان عملاً در برابر دولت، قدرت مخالف خود را از دست داده است.²⁹

بدین ترتیب نظام پارلمانی در انگلستان حاکم است که از نقایص زیادی نیز برخوردار است، لکن برخورداری از قدرت تبلیغاتی، سیاسی، اقتصادی و نظامی مانع از آن می‌شود که این نقایص خود را نشان دهند و در مقابل با برجسته نمودن نقاط ضعف و ایجاد شبهات برای سایر نظام‌های سیاسی توسط قدرتها، نقاط ضعف خود را پوشش می‌دهند. این ابزار گسترده تبلیغاتی حتی در تحمیق مردم مان آن کشورها بسیار کاربرد دارد. به قول یکی از اندیشوران:

در غرب، انتخابات آزاد است، ولی زمینه

سازي تبليغاتي‌اي كه پيش از آن مي‌شود، مردم را چنان مقهور و محدود مي‌كند كه بي‌شترشان بي‌اراده رأي مي‌دهند، اين زمينه‌سازي تبليغاتي براي انتخابات جز به دست قدرتهاي سياسي مالي امكان پذير نيست.³⁰

به هر صورت مطالعات، بيان‌گر اين حقيقت است كه نظام سياسي و حكومتي در انگلستان، آميزه‌اي از نهادهاي ما قبل دموكراتيک قرون ميانه، نظير پادشاه و مجلس اشراف و كار بيست‌هاي دموكراتيک مدرن است.³¹ «در حقيقت، رژيم انگليسي، كاملاً مخالف سيستم توازن مي‌باشد و جود دو حزب كه يكي از آنها در پارلمان اكثريت مطلق به دست مي‌آورد، اثرش اين است كه اقتدارات نامحدودي در اختيار اين حزب ورئيس آن، يعني رئيس حكومت در مي‌آيد.»³²

نظام انتخاباتی فرانسه

رژيم سياسي فرانسه مركب از رئيس جمهور غير مسئول از لحاظ سياسي و يك رئيس حكومت مسئول (نخست وزير و وزرا) در مقابل مجلس است. در رژيم رياستي، قوه مجريه يك ركني است و در آن رئيس جمهور، رئيس كشور و رئيس حكومت مي‌باشد و اعضاي كابينه را تعيين و اداره مي‌كند و وزرا در برابر او مسئوليت دارند. مجلس و رياست جمهوري در برابر يك ديگر ابراهاي فشار هستند و مي‌توانند بر يك ديگر تأثير گذار باشند. مدل حكومتي در فرانسه نيمه رياستي نيمه پارلماني مي‌باشد كه از دوركن تشكيل مي‌شود. رئيس جمهور كه به طور مستقيم توسط مردم انتخاب مي‌شود داراي اختيارات گسترده‌اي مي‌باشد، نخست وزير و وزرا كه منصوب رئيس جمهور مي‌باشند در برابر پارلمان پاسخگو هستند و پارلمان مي‌تواند با



عدم رأی اعتماد یا مصوبه‌ای سیاسی مانع از تشکیل کابینه گردد، البته رئیس‌جمهور نیز می‌تواند پارلمان را منحل کند.

شرایطی که قانون برای کاندیداهای ریاست جمهوری قائل شده از این قرار است: 1. فرد داوطلب باید از صد نفر از نمایندگان مجلس ملی، سنا، شورای اقتصادی و اجتماعی و یا شوراهای ولایتی و شهرداری معرفی‌نامه داشته باشد؛ 2. هر داوطلب باید دو هزار فرانک تودیع نماید تا بتواند درمبارزات انتخاباتی شرکت کند. در ضمن مدت ریاست جمهوری هفت سال است و انتخابات با رأی مستقیم و با اکثریت مطلق در دو دور انجام می‌گیرد.³³ رئیس‌جمهوری در فرانسه دارای اختیارات گسترده‌ای است، از جمله این که بر اساس ماده هشت قانون اساسی می‌تواند بعد از مشورت با نخست‌وزیر و رؤسای مجلس، انحلال مجلس ملی را اعلام دارد و چنانچه تصمیم به انحلال آن گرفت، انتخابات برای تشکیل مجلس ملی جدید، باید حداقل بیست روز و حداکثر چهار روز بعد از آن انحلال انجام گیرد.³⁴ ماده هشت می‌گوید که رئیس‌جمهور نخست‌وزیر را تعیین می‌کند و بر اساس ماده 65 ریاست شورای عالی قضایی با رئیس‌جمهور خواهد بود، شورای عالی نه عضو دارد که توسط رئیس‌جمهور منصوب می‌شوند.³⁵ وی همچنین تعدادی از اعضای شورای قانون اساسی را (که به آن خواهیم پرداخت) تعیین می‌کند. پارلمان فرانسه مرکب از دو مجلس مجمع ملی و سنا است. مجمع ملی دارای 485 نماینده است که با رأی مستقیم مردم و به صورت اکثریت، در دو مرحله و برای 5 سال انتخاب می‌شوند و مجلس سنا مرکب از 305 نماینده است که برای نه سال و به صورت غیر مستقیم از طرف وکلای شوراهای محلی انتخاب می‌شوند و هر سه سال یک بار، یک سوم آنها تغییر می‌کند. نقش مجلس سنا تشریفاتی

است. مجلس سنا علاوه بر وظایف اصلی خود، نماینده جوامع و سرزمین‌های مختلف فرانسه نیز می‌باشد اختیارات پارلمان در جمهوری پنجم بسیار کاهش یافت. پارلمان حق تقدیم طرح‌هایی برای کاهش یا افزایش بودجه و مالیات‌ها را ندارد. پارلمان در ظاهر، حق نظارت بر کارهای دولت را دارد ولی با چنان محدودیتی روبه روست که توان ساقط کردن یک حکومت را ندارد.³⁶ شرایط حضور در پارلمان فرانسه بدین نحو می‌باشد که هر سناتور باید حداقل 35 سال تمام داشته و تبعه فرانسه باشد. داوطلبین نمایندگی مجلس ملی نیز باید قبل از شروع انتخابات، مبلغ ده هزار فرانک به عنوان ضمانت بپردازند تا بتوانند در مبارزه انتخاباتی شرکت کنند. در صورتی که داوطلب در دور اول یا دور دوم کمتر از پنج درصد آرای کسانی که اسامی‌شان در لیست انتخاباتی ثبت شده، کسب کند مبلغ مذکور به وی مسترد نخواهد شد.³⁷ سن رأی دهندگان 18 سال تمام می‌باشد. کاندیدا هم باید 33 سال تمام داشته باشد. اتباع خارجی با کسب تابعیت فرانسه بعد از پنج سال تابعیت می‌توانند رأی بدهند و پس از ده سال تابعیت می‌توانند کاندیدا شوند.³⁸ رکن دوم قوه مقننه فرانسه را می‌توان شورای قانون اساسی این کشور دانست که یک نهاد نظارتی می‌باشد. بر اساس ماده 56 این شورا از دو گروه اعضا تشکیل یافته است: گروه نخست عبارتند از: سه نفر که سه نفر آنان را رئیس جمهور و سه نفر دیگر را رئیس مجلس ملی و سه نفر آخر را رئیس مجلس سنا برای مدت نه سال برمی‌گزینند و هر سه سال یک بار سه نفر از این مجموعه جای خود را به سه نفر جدید می‌دهند. گروه دوم عبارتند از. اعضای مادام العمر که شامل کلیه رؤسای جمهور سابق می‌باشد، رئیس شورا نیز از



میان همین اعضا از طرف رئیس جمهور مندر صوب می شود.³⁹ فلسفه و جودی این ارگان بر اساس ماده 58 نظارت بر صحت جریان انتخابات است و بر اساس ماده 59 این شورا می تواند در مورد درستی انتخابات پارلمان نیز تصمیم گیری نماید و بر اساس ماده 60 مجموعه فرایند رأی گیری و همه پرسی نیز از نظارت این شورا خارج نیست. وظیفه مهم دیگر این شورا نظارت بر تطابق قوانین عادی با قانون اساسی است. به گونه ای که مطابق با ماده 62 قانون اساسی فرانسه، مقرراتی که مغایر با قانون اساسی اعلام گردد نمی تواند امضا گردد، تصمیمات شورای قانون اساسی اعتراض پذیر نیستند و اجرای آن برای قوای عمومی و مقامات اداری و قضایی، لازم می باشد. چیزی شبیه شورای فقهی نگهبان در قانون اساسی ایران، بر اساس ماده 61 قانون اساسی فرانسه مصوبات پارلمان قبل از اجرا باید به تصویب شورای قانون اساسی برسد. در واقع پاسداری از قانون اساسی و به دنبال آن از رژیم سیاسی برعهده شورای قانون اساسی است.⁴⁰

جمع بندی

بدین ترتیب مشخص گردید که، در آمریکا انتخاب رئیس جمهور دو درجه ای است و در این زمینه نیز تاریخ انتخابات در آمریکا نشان داده است که رقابت تنها بین دو حزب دمکرات و جمهوری خواه وجود دارد و سایر احزاب و کاندیداها به دلایلی، هم چون نداشتن توان مالی گسترده، عدم برخورداری از حمایت نهاد های سیاسی و شخصیت های مؤثر سیاسی، عدم برخورداری از لابی صهیونیستی و... شانس برای راهیابی به کاخ سفید ندارند. در مقایسه نحوه انتخاب رئیس حکومت در آمریکا و



مقایسه با فرانسه نیز از امتیازاتی برخوردار است. همان‌طور که گذشت، رئیس‌جمهور در فرانسه با رأی مستقیم مردم در دو دور برای مدت هفت سال انتخاب می‌شود که به لحاظ سیاسی، غیرمسئول و در عین حال از اختیارات زیادی برخوردار است که انتخاب نخست‌وزیر، تعیین تعدادی از اعضای شورای قانون اساسی که نهادی مشابه شورای نگهبان می‌باشد و انحلال پارلمان از آن جمله است. مهم‌ترین ایراد به ریاست جمهوری در فرانسه، مدت هفت ساله ریاست جمهوری و داشتن حق انحلال مجلس است. از طرفی $\frac{1}{3}$ از اعضای شورای قانون

اساسی توسط رئیس‌جمهور انتخاب می‌شوند که آن‌ها نیز وظیفه نظارت بر تمامی مراحل انتخابات و نیز تطابق قوانین عادی با قانون اساسی را برعهده دارند و این مسئله باعث می‌شود که رئیس‌جمهور بر روند انتخابات پارلمان و نیز تصویب قوانین از نفوذ زیادی برخوردار باشد، درحالی‌که در جمهوری اسلامی ایران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرجعی برای حل اختلافات مجلس و شورای نگهبان است. شرایط منحصر به فرد رهبری و رئیس‌جمهوری در ایران، یک امتیاز برای نظام انتخاباتی کشور می‌باشد که دیگر کشورها از آن برخوردار نیستند. ایرادی که به نحوه نفوذ رئیس‌جمهور در فرانسه نسبت به شورای قانون اساسی وارد است بر شورای نگهبان در ایران وارد نیست، زیرا اولاً در مورد رئیس‌جمهوری در ایران مصداق پیدا نمی‌کند، ثانیاً حقوق دانان شورای نگهبان بایستی مورد تأیید مجلس باشند.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که شرایط رهبری و رئیس‌جمهور در جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با شرایط رهبران ایالات متحده آمریکا

، انگلستان و فرانسه به مراتب دقیق تر و مناسب با مسئولیت سنگین مدیریت يك نظام سياسي است، در حالی که در این کشورها هر فردی صرف نظر از صلاحیت علمی و عملی لازم، صرفاً با کسب اکثریت آرا به شکل مستقیم و غیرمستقیم با زد و بندهای حزبی و سیاسی قدرت را در دست می‌گیرد، در حالی که پادشاهی در نظام سیاسی حاکم بر انگلستان موروثی و مادام العمر است و هیچ مرجعی بر آن نظارت ندارد. رهبر در جمهوری اسلامی ایران در صورت ناتوانی در انجام وظایف، توسط مجلس خبرگان که ناظر بر اعمال اوست، عزل می‌شود. همچنین انحلال مجلس قانون گذاری در شرایطی توسط رهبر، پادشاه یا رئیس جمهور در این کشورها ممکن است، در حالی که در ایران چنین امری ممکن نمی‌باشد. از سوی دیگر در این کشورها رئیس جمهور در صورت انجام جرم های محدود و مشهود عزل می‌شود، ولی در جمهوری اسلامی ایران رهبری در صورت از دست دادن شرایط یاد شده عزل می‌شود و در مورد رئیس جمهور نیز این چنین می‌باشد. لذا اهرم های نظارتی و شرایط احراز عدم صلاحیت در جمهوری اسلامی ایران به مراتب دقیق تر و گسترده تر است، و دیگر این که نحوه انتخاب رهبر در ایران، مانند انتخاب رئیس جمهور در آمریکا و انگلستان غیرمستقیم است، ولی در ایران مجلس خبرگانی که متصدی این امر هستند از شرایطی شبیه شرایط رهبری برخوردارند.

پی‌نوشت‌ها

1. عباس‌علی عمید زنجانی، *مبانی اندیشه سیاسی اسلام* (تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ دوم، 1384)، ص 431.
2. شرایط و صفات رهبر: 1. صلاحیت علمی لازم برای افتا در ابواب مختلف فقه؛ 2. عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام؛ 3. بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری. در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی‌تر باشد، مقدم است.
3. نبی‌الله ابراهیم‌زاده، *حاکمیت دینی* (قم: مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، 1377)، ص 119.
4. جهانگیر منصور، *قوانین و مقررات مربوط به انتخابات جمهوری اسلامی ایران* (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1381)، ص 111 - 116.
5. Alexis de Toqueville.
6. جواد علی‌زاده، *تحلیلی بر قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی* (تهران: قومس، 1383)، ص 21-22.
7. محمدتقی مصباح یزدی، *نظریه سیاسی اسلام* (قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1378) ج دوم، ص 169.
8. همان، ص 170.
9. عبدالله جوادی آملی، *ولایت فقیه: ولایت فقاہت و عدالت* (قم: مرکز نشر اسراء، 1378)، ص 513-514.
10. جهانگیر منصور، *پیشین*، ص 288.
11. امیر صادقی نشاط، *معرفی نظام جمهوری اسلامی ایران* (تهران: مرکز مطالعات فرهنگی و بین‌المللی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، الهدی، 1378)، ص 52.
12. جلال‌الدین مدنی، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران* (تهران: پایدار، چ پنجم، 1377)، ص 163.



13. Electoral Collee

14. علي اکبر جعفري ندوشن، *تفکيک قوا در حقوق ايران، آمريکا و فرانسه* (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامي، 1383)، ص 183 - 184.
15. سيدمحمد طباطبائي، *سياست و انتخابات در ايالات متحده آمريکا* (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامي، 1381)، ص 63 - 73.
16. محبوب شهبازي، *تقدير مردم سالاري* (تهران: روزنه، 1380)، ص 122 - 123.
17. جلال الدين مدني، *حقوق اساسي تطبيقي* (تهران: پايدار، 1376) ج اول، ص 96.
18. سيدمحمد طباطبائي، *پيشين*، ص 61.
19. علي اکبر جعفري ندوشن، *پيشين*، ص 189.
20. *همان*، ص 189.
21. ابوالفضل قاضي، *حقوق اساسي و نهادهاي سياسي*، (تهران: دانشگاه تهران، چ 6، 1375) ص 577 - 603.
22. علي اکبر جعفري ندوشن، *پيشين*، ص 302.
23. منوچهر طباطبائي مؤتمني، *حقوق اساسي* (تهران: ميزان، 1380)، ص 235 - 242.
24. *همان*، ص 130 - 136.
25. جعفر بو شهري، *حقوق اساسي؛ متون قوانين اساسي، فرانسه، آلمان، سوئيس، انگلستان و آمريکا* (تهران: شرکت سهامي انتشار، چ چهارم، 1384)، ص 247 - 249.
26. احمد نقيبزاده، *سياست و حکومت در اروپا*، (تهران: سمت، چ 4، 1383)، ص 89.
27. منوچهر طباطبائي مؤتمني، *پيشين*، ص 217 - 223.
28. جعفر بوشهري، *پيشين*، 259 - 269.
29. علي اکبر جعفري ندوشن، *پيشين*، ص 61 - 62.
30. لويي بيونس رنگه، *فردا چه خواهد شد؟*، ترجمه علي اکبر کسمايي (تهران: مطبوعاتي عطايي، 1362)، ص 110.
31. حسين علي نوذري، «نگاهي گذرا به احزاب سياسي و انتخابات»، مشارکت سياسي، احزاب

- انتخابات، **مجموعه مقالات**، وزارت کشور (تهران: سفیر، 1378)، ص 262.
32. موریس دوورژه، **رژیم های سیاسی**، ترجمه ناصر صدرالخطی (تهران: شرکت کتابهای جیبی، چ سوم، 1352)، ص 177.
33. جلال الدین مدنی، **حقوق اساسی تطبیقی** (تهران: گنج دانش، 1374)، ص 109.
34. حسن حسنی، **مقامات عالی قوه مجریه در قانون اساسی ایران و فرانسه و مطالعه تطبیقی آن** (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1369)، ص 107.
35. جعفر بوشهری، **پیشین**، ص 45.
36. احمد نقیبزاده، **پیشین**، ص 144.
37. علی اکبر جعفری ندوشن، **پیشین**، ص 117.
38. جلال الدین مدنی، **پیشین**، ص 135.
39. علی اکبر ندوشن، **پیشین**، ص 131 - 132.
40. احمد نقیبزاده، **پیشین**، ص 145.

